

ما و تاریخ فلسفه اسلامی

دکتر رضا داوری اردکانی

www.ketab.ir



ما و تاریخ فلسفه اسلامی

دکتر رضا داوری اردکانی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ پنجم: ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸۰-۱۱۱۱

چاپ و تنظیم: سید علی دیندار

سرشناسه: داوری اردکانی، رضا
عنوان و نام پدیدآور: ما و تاریخ فلسفه / رضا داوری اردکانی
مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۶۱۶ ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۵۶۷]-۵۷۷

موضوع: فلسفه اسلامی — تاریخ.

موضوع: فیلسوفان اسلامی.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی گنگره: ۱۳۸۹ ۱۴/د۲ م BBR

رده‌بندی دیویی: ۱۸۸/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۱۴۷۱۲

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهیدبهشتی، تقاطع بزرگراه

شهید مدرس، پلاک ۵۶، تلفن: ۸۸۵-۵۴۰۲ - ۸۸۵-۳۳۴۱

فروشگاه کتاب اندیشه: تهران، خیابان انقلاب، روبروی

درب اصلی دانشگاه تهران، پلاک ۱۳۴۸، تلفن: ۶۶۱۷۵۶۷۰

همه حقوق محفوظ است

فهرست اجمالی

| | |
|----------|---|
| ۱۱..... | مقدمه |
| ۱۹..... | مقدمه مؤلف |
| ۳۵..... | بخش اول: قوام و تأسیس فلسفه آیت الله العظمی |
| ۱۶۷..... | بخش دوم: گزارش مختصر تاریخ فلسفه اجرامی |
| ۴۸۳..... | بخش سوم: وضع فلسفه در ایران و مقام فلسفه اسلامی |
| ۵۶۷..... | کتابنامه |
| ۵۷۹..... | فهرست آیات |
| ۵۸۵..... | فهرست اشعار |
| ۵۸۷..... | نمایه |

مقدمه

شریعت خاتم، خدای را که مصدر دین و منزل قرآن است، حکیم خوانند:
وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنَ الْحَكِيمِ عَلِيمٍ؛ حکمت را وحیانی دانست: ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى
إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ. و وحی را حکیمانه انگاشت: ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ
وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ؛^۱ حکمت را وحی (وحی نامه) و خرد را همسنگ وحی
نشانند، و هر دو را توأمأً بر پیامبرش نازل فرمود: وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ
وَالْحِكْمَةَ؛^۲ و خداوند را معلم کتاب و حکمت پیامبرش نامید: وَإِذْ عَلَّمْنَاكَ
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛^۳ و پیامبرش را نیز معلم کتاب و حکمت نام اعلام داشت:
وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛^۴ عقل و وحی را مُدْرِك و مَدْرِك درک و دریافت
دین انگاشت و عقل را حجت و پیامبر درونی، و انبیاء را حجج و پیامبران
برونی قلمداد کرد^۵ و کلید فهم نصوص مقدس را نیز عقل قرار داد: أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ
الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا.^۶

۱. النمل، ۶/۲۷.

۲. الإسراء، ۳۹/۱۷.

۳. آل عمران، ۵۸/۳.

۴. النساء، ۱۱۳/۴.

۵. المائدة، ۱۱۰/۵؛ آل عمران، ۴۸/۳.

۶. البقره، ۱۲۹/۲ و ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴/۳؛ الجمعة، ۲/۶۲.

۷. محمد کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، صص ۲۰-۱۳.

۸. محمد، ۲۴/۴۷.

گوهر دین را که «کلمه‌ی توحید» است و همه‌ی گزاره‌ها و آموزه‌های دینی بر آن بر ساخته است عقلی دانست: أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛^۱ و رسولش را مأمور کرد که خلق را به اتکای حکمت و به طرز جدال احسن، به راه وحی فرا بخواند: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛^۲ ترک حکم نقل و عقل را توأمأ موجب درافتادن در دوزخ قلمداد نمود و از قول دوزخیان آورد: وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ؛^۳ برخورداری از خرد را ملاک انسانیت انسان و خردورزی را شرط صحت اطلاق این عنوان انگاشت و کسانی را که نمی‌اندیشند و به حکم خرد بی‌اعتنایند نکوهش فرمود و ترک خردورزی را علت تنزل آدمی از شأن انسانی به‌شمار آورد: إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ؛^۴ أَوْلَيْكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَىٰ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَفْعَالُونَ.^۵

جهان‌بینی را به خردورزی می‌رساند زد: وَهُوَ الَّذِي يَخْفِي وَيَجِيءُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛^۶ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ، الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقُلْ عَنَّا النَّارُ؛^۷ همگان را به تعقل در تاریخ دعوت کرد: أَقَلَّمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛^۸ پاره‌ای از مفاهیم فلسفی همچون علیت را در وحی‌نامه‌اش بازگو کرد: إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسِنْتُمْ وَأَنْفَسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا؛^۹ و بشر را مختار و منشأ اثر و نامود: إِنْ اللَّهَ لَا يَغْيِرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغْيِرُوا

۱. الانبیاء، ۶۷/۲۱.

۲. النحل، ۱۲۵/۱۶.

۳. الملک، ۱۰/۶۷.

۴. الانفال، ۲۲/۸.

۵. الاعراف، ۱۷۹/۷.

۶. مؤمنون، ۸۰/۲۳.

۷. آل‌عمران، ۱۹۰/۳-۱۹۱.

۸. یوسف، ۱۰۹/۱۲.

۹. الاسراء، ۷/۱۷.

مَا بَأْتُسِهِمْ؛^۱ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ؛^۲ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ.^۳

برای اثبات مدعیات خود، بارها به اقامه‌ی برهان عقلی پرداخت و بدین‌سان ضمن تصریح بر حجیت روش و رهیافت عقلانی در دین، بر عقلانیت آموزه‌های خود نیز انگشت تأکید نهاد: لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ؛^۴ ... مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ* ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ؛^۵ ... مَا كَانَ مَعَهُ مِنَ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ضَرْبُ اللَّهِ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛^۶ برای اثبات و حیانت قرآن نیز با تمسک به برهان خلف، استدلال عقلی^۷ را بیان می‌دارد: أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ آيَاتٍ فِي الْقُرْآنِ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛^۸ از مخالفان و متعصبان عدل نهر، برهان مطالبه فرمود: أَمْ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ؛^۹ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قُلُوبٌ هَادِيَةٌ لِّلْغَالِيينَ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛^{۱۰} و آنان را فاقد برهان گفت: وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

من این آموزه‌ها را به‌مثابه نمونه آوردم تا بگویم راز حکمت‌نمونی هستی و هویت عمده‌ی جوامع اسلامی در همه‌ی اعصار و امصار چیست؛ برغم سلطه و

۱. رعد، ۱۱/۱۳.

۲. الاعراف، ۹۶/۷.

۳. روم، ۴۱/۳۰.

۴. الانبیاء، ۲۲/۲۱.

۵. الملک، ۴۳/۶۷.

۶. المؤمنون، ۹۱/۲۳.

۷. الزمر، ۲۹/۳۹.

۸. نساء، ۸۲/۴.

۹. الانبیاء، ۲۴/۲۱.

۱۰. النمل، ۶۴/۲۷.

۱۱. المؤمنون، ۱۱۷/۲۳.

سیطره‌ی اشعریت تاریخی بر بخش عظیمی از سرزمین‌های اسلامی، طی چهارده قرن گذشته، جهان اسلام از حکمت‌خیزترین نقاط گیتی بشمار می‌آمده است. در این میان نقش و سهم حکیمان شیعی و ایرانی البته بسی بارزتر و برجسته‌تر از دیگر نقاط عالم اسلام بوده است. آری جوهر عقلانی و حکمت‌بنیان شریعت مصطفوی صلی الله علیه و آله مایه‌ی زایش و بالش حکمت و عقلانیتی عظیم در اقالیم اسلامی و ظهور مکاتب فلسفی گوناگون و تکون علوم و آرای عقلی ژرف و شگرفی در این خطه از جهان گشت.

بر خلاف فرنگیان، که به نگارش تاریخ فلسفه بیش از نگارش در خود فلسفه اهتمام می‌ورزند، مسلمین هرگز به تاریخ فلسفه و تفکیک و ثبت تاریخ مکاتب و مناظر فلسفی اهتمام نمی‌کنند و این البته نقص بسیار بزرگی است. نگاه تاریخی به معرفت‌شناسی نگاه درجه‌ی دو به معرفت است که موجب بسط و بالندگی مکاتب و مناظر فلسفی احياناً تنقیح و تقویت آنها می‌گردد. هرچند طی دهه‌های اخیر برخی تک‌نگارانی دست‌نخورده‌نگاشته‌هایی در باب تاریخ حکمت اسلامی منتشر شده است؛

- *دراسات فی الفكر الفلسفی الإسلامی، حسام‌الدین...*

- *سیر فلسفه در ایران، اقبال لاهوری*

- *تاریخ فلسفه در اسلام، تجتیزج. دو بور*

- *تاریخ فلسفه در اسلام، میان محمد شریف*

- *تاریخ فلسفه‌ی اسلامی، اسحاق حسینی کوهساری*

- *سیر حکمت در ایران و جهان، سید محمد خامنه‌ای*

- *ماجرای فکر فلسفی، غلامحسین ابراهیمی دینانی*

- *نگرشی بر تاریخ فلسفه‌ی اسلامی، گردآوری و ترجمه‌ی مقالاتی از*

دایرة‌المعارف فلسفه‌ی راتلیج، توسط محمود زارعی بلشتی

- *زمینه‌ی تاریخ فلسفه‌ی اسلامی، مصطفی عبدالرزاق*

- *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، حنا فاخوری*

- *تاریخ الفلسفة الإسلامیة فی المشرق، محمد ابراهیم الفیومی*